

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

## E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Persian literature during Mongol Empire

---

دوره مغول از نظر تنوع و وقوع حوادث تعیین کننده، یکی از مهمترین و سرنوشتسازترین و پرحادثهترین ادوار تاریخ ایران محسوب می شود. این حوادث خونبار، علاوه بر ابعاد وسیع کشتار و تخریب، زوال تمدن، انحطاط فکری و فرهنگی و اجتماعی را به همراه داشت. از هم گسیختگی اوضاع اجتماعی، انحطاط فکری و فرهنگی، کشتار بیرحمانه و گسترده مردم، رواج انواع مظالم و مفسد اجتماعی، تجاوز به جان و مال و ناموس مردم و فقر و نابسامانی نتیجه این یورش بود. یورش مغول از سال 617 آغاز شد و در سال 656 بغداد سقوط کرد و دولت ایلخانی در ایران زمین پا گرفت. در طی این چهل سال، اوضاع ایران در آشفتگی کامل بود و هیچ دولتی استقرار نداشت. عدم وجود دولتی که به نوعی حامی ادب و شعر باشد، ضربه بزرگی به پیشرفت ادب فارسی در این روزگار بود. در عین حال، دولت‌های کوچکی که به نوعی باج‌گذار دولت ایلخانی شده و از نابودی نجات یافته بودند، در این راه قدم‌های شایسته‌ای برداشتند. به علاوه، خراسان، همواره مرکز رشد ادبیات فارسی بود و این خطه، در حمله مغول بیشترین صدمه را دید. این نیز، مانع مهمی بر سر راه رشد شعر و ادب بود.

ادوارد براون انگلیسی نیز، حمله مغول را بزرگترین ضربه و شدیدترین لطمه به فرهنگ و تمدن و ادبیات ملل مسلمان خوانده و بین تألیفات قبل و بعد از این یورش تفاوت رتبه و اختلاف درجه فاحشی قائل شده است.

کمال الدین اصفهانی که خود در گیرودار حمله و هجوم و قتل و غارت مغولان کشته شده و قتل عام مردم اصفهان را به سال 633 به چشم خود دیده، حال و روز مردم و وطنش را چنین به تصویر کشیده است:

کو دیده که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که برصد گرید

وی مدتی در پی مدیحه‌سرایی شاهان بود تا آن که اوضاع درهم ریخت و کارش پیشرفتی نکرد. وی که در اصفهان مقیم بود، هر روز در این شهر، ناظر درگیری حنیفان و شافعیان در دو محله دردشت و جوباره بود. کمال‌الدین که از این خشونت‌ها سخت آزرده خاطر گشته بود. اشعاری که از وی برجای مانده، جدای از آنچه در مدح و ستایش شاهان است، اشعاری است عاشقانه، آن هم از زاویه سوز و گداز. عشق در دید او دردی درمان‌ناپذیر است که تنها چاره آن مرگ است:

امشب ز غمت میان خون خواهم خفت وز بستر عافیت برون خواهم خفت

باور نکنی خیال خود را بفرست تا درنگرد که بی تو چون خواهم خفت

با همه لطمات و ضربات سهمگینی که بر پیکره جامعه ایرانی و فرهنگ آن در این دوره وارد شد، به دلیل دیرینگی و غنای فرهنگی و علمی در دوره‌های پیشین، این دوره هنوز از ادوار گرانبار و درخشان تاریخ ادب فارسی می‌نماید. چنانکه در همین دوره شاهد کوشش دانشمندان ایرانی در تأسیس بزرگترین مراکز علمی از قبیل رصدخانه مراغه و ربع رشیدی و کتابخانه‌های معتبری هستیم، که به همت بزرگانی چون خواجه نصیر طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و شمس‌الدین محمد جوینی و غیره ایجاد شده بود. در دوره مورد بحث شاهد ظهور مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به عنوان کوه موج دریای عرفان ایران اسلامی و یکی از بلندترین قلّه‌های اندیشه بشری هستیم. در کنار این خیزاب بلند و این قلّه رفیع، موجهای عظیم و قلّه‌های مرتفع دیگری چون سعدی، اوحدی، شیخ محمود شبستری، نجم‌الدین کبری، نجم‌الدین رازی و منتقد برجستهای چون عبید و غیره دیده می‌شوند.

عطار یکی از عارفان و شاعران برجسته قرن ششم که در سنی قریب هشتاد سال، به سال 618 هجری در نیشابور به دست مغولان کشته شد. وی از کودکی شیفته صوفیان نیشابور بود و چنان که خود نوشته است: «در کودکی باد دوستی این طایفه در دلم موج می‌زد». با این حال، شغل عطاری خود را که همان داروفروشی و داروسازی امروز است، حفظ کرد.